

## بیمه و توسعه: چشم‌انداز، مشکلات و راه‌حل‌ها

نوشته طه یاسر ترکی

ترجمه مینا صدیق نوحی

[معرفی نویسنده: *Tayseer Treky* معاون مدیر کنترل در شرکت بیمه اتکایی عرب؛ اهل لبنان، دارای درجه فوق لیسانس اقتصاد سیاسی خاورمیانه از دانشگاه لندن].

نخست، انتخاب عنوان «بیمه و توسعه» را به برگزارکنندگان سمینار تبریک می‌گویم. نه تنها برای اینکه عنوان جدیدی است و تاکنون استفاده نشده بلکه به سبب امکانی که در بازبینی مرتب آن وجود دارد. چرا؟ برای آنکه گرچه اصول بیمه تغییر نمی‌کند ولی زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که در متن آن، موضوع بیمه و توسعه مورد بررسی قرار می‌گیرد مرتباً تغییر می‌کند و قطعاً این عوامل بر رویه بیمه و اولویتهای ما در انتخاب راههای مختلف، و گزینش شریکان تجاری مان تأثیر می‌گذارند.

### زمینه

در آغاز، نقش ما به عنوان بیمه‌گر، بیمه‌گر اتکایی و بیمه‌گذار در فراگرد توسعه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد. به اعتقاد من بهتر است این بحث با پیش زمینه‌های اقتصادی، سیاسی و فضای اجتماعی منطقه و جهان پیرامون ما آغاز شود. همچنین ما باید به تجزیه و تحلیل این موضوع پردازیم که چگونه اقتصاد غالب در یک کشور یا یک منطقه بر هدفهای توسعه در سایر کشورها و مناطق به‌ویژه کشورهای همجوار تأثیر می‌گذارد. در این خصوص ایران، کشورهای عرب و حتی کشورهای اسلامی، هدفهای مشترکی دارند و بحث ما بدون ذکر نقش غالب صنعت نفت در تولید ناخالص داخلی ایران و کشورهای همجوار عرب ناتمام می‌ماند. قیمت آینده این کالای استراتژیک، اقتصاد آینده بسیاری از کشورهای عرب و اسلامی را شکل خواهد

داد و بر هم پیمانیهای اقتصادی بین دولتها، بر پایه عوامل اقتصادی، در جهانی که با فروپاشی نظام سیاسی دوقطبی به سوی نظام چندقطبی حرکت می‌کند اثر می‌گذارد. پیش‌بینی می‌شود که در نظم جدید جهانی، تقسیم‌بندی گروهها یا پیمانها به گونه دیگری متجلی شود و اردوگاهها و اتحادیه‌هایی نو به وجود آیند. نتیجه معیارهای جدید اقتصادی، تغییر وضعیت متحدان و دشمنان گذشته در نظم جدید جهانی خواهد بود.

## موقعیت ایران و همسایگان عرب آن در نظم جدید جهانی

اهمیت و ارزش ایران و همسایگان عرب آن در متن کشورهای در حال توسعه و به ویژه در میان کشورهای اسلامی در جهان در حال توسعه، انکارناپذیر است. بنابراین تجزیه و تحلیل موقعیت ایران و کشورهای عرب در نظم جدید جهانی، اهمیت ویژه‌ای دارد و چون وزنه‌ای سنگین، نقش تعیین‌کننده‌ای برای بقیه جهان در حال توسعه به ویژه جهان اسلام بازی می‌کند.

تجزیه و تحلیل اقتصاد ایران و همسایگان عرب آن، کاهش رشد اقتصادی این منطقه در چند سال اخیر را آشکار خواهد ساخت. رشد واقعی کشورهای عرب در سالهای آغازین دهه ۱۹۹۰ برابر ۱/۷ درصد در سال بوده در حالی که رشد کشورهای در حال توسعه به ۴/۷ درصد بالغ شده است. برای مثال، نرخ رشد متوسط در مصر بین سه تا پنج سال گذشته از ۱ تا ۱/۵ درصد تغییر کرده است. در سال ۱۹۹۳، عربستان سعودی رشد نسبتاً کم یک درصدی داشته است و پس از رشد مثبت سه ساله قبل از ۱۹۹۴، در آن سال رشد منفی واقعی در حدود ۴ درصد نشان می‌دهد. گرچه نرخ رشد ایران در سال ۱۹۹۴ منفی نبوده ولی بسیار پایین است؛ در اوایل دهه ۱۹۹۰، نرخ رشد آن مثبت و متغیر بوده و بین حداکثر ۹/۹ درصد در سال ۱۹۹۲ تا حداقل ۲ درصد در سال ۱۹۹۳ تغییر کرده است.

با نگاهی به ساختار اقتصاد ایران و کشورهای عرب همجوار آن، در می‌یابیم که بین سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۹۲، شالوده آن تغییر نکرده است. در این دوره، ۹۰ درصد کل صادرات ایران را نفت تشکیل داده و این درصد، در کشورهای عرب باز هم بیشتر است. عملکرد این کشورها تضاد در خور توجهی با کشورهای تازه توسعه یافته مثل مالزی دارد. در طی همین دوره درصد صادرات نفت و مواد اولیه این کشورها به ترتیب از ۶۳ درصد به ۲۲ درصد و از ۳۰ درصد به ۱۷ درصد کاهش یافته است. اگر صادرات ماشین آلات و تجهیزات حمل و نقل را به عنوان یک شاخص توسعه اقتصادی در نظر بگیریم، خواهیم دید صادرات مالزی در این بخش از ۲ درصد کل صادراتش در سال ۱۹۷۲ به ۳۸ درصد در سال ۱۹۹۲ بالغ شده است. صادرات ایران و

همسایگان عرب آن در همین بخش، در یک درصد ثابت مانده است.

اگر به درآمدهای ایران و کشورهای عرب همجوار آن بنگریم، تصویر تیره‌تر خواهد بود. پس از جنگ دو ساله خلیج فارس، تراز تجاری مثبت ایران و همسایگان عرب صادرکننده نفت آن منفی شده است. براساس آمارهای صندوق بین‌المللی پول، جنگ دوم خلیج فارس، زبانی بالغ بر ۴ درصد از کل تولید ناخالص داخلی منطقه خاورمیانه را در پی داشته و تورم نیز ۲/۵ درصد افزایش یافته است. مازاد تجاری ۱۰ میلیارد دلاری به کسری ۴۳ میلیارد دلاری تبدیل شده و به علاوه زیانهای مستقیم جنگی از مرز ۶۰۰ میلیارد دلار فراتر رفته است.

مشکل دیگری که به کسری تراز بازرگانی و بار استقراض ناشی از آن می‌افزاید کمی جریان سرمایه‌گذاری خارجی در منطقه است. گرچه سهم کشورهای درحال توسعه از سرمایه‌گذاری خارجی از ۱۲ درصد در سال ۱۹۸۷ به ۲۲ درصد در ۱۹۹۲ افزایش یافته ولی عمده این سرمایه‌گذاری به امریکای لاتین و کشورهای منطقه اقیانوس آرام سرازیر شده است. برای مثال سهم ایران از صفر دلار در ۱۹۸۰ به ۱۷۰ میلیون دلار در ۱۹۹۲ بالغ شده که اگر با سهم مکزیک (از ۲/۵۱۶ میلیارد دلار به ۵/۳۶۶ میلیارد دلار)، آرژانتین (از ۶۸۷ میلیون به ۴/۱۱۸ میلیارد) و مالزی (از ۹۳۴ میلیون به ۴/۱۷ میلیارد) مقایسه شود، رقم ناچیزی می‌نماید.

### چشم‌اندازهای اقتصادی: کوتاه مدت و میان مدت

ایران و جهان عرب، مالک ۷۲ درصد ذخایر نفت دنیا هستند و نفت، ۹۰ درصد صادرات این کشورها را تشکیل می‌دهد. به همین دلیل، این نفت است که آینده اقتصادی منطقه ما را تعیین خواهد کرد. زیرا افزایش عرضه و تقاضا و متعاقب آن قیمت نفت در اقتصاد ما عامل تعیین کننده‌ای خواهد بود. قیمت کنونی نفت در واقع کمتر از بهای آن در سال ۱۹۷۳ است. برخی از تحلیلگران نفتی ادعا می‌کنند که قیمت نفت حتی ارزانت‌تر از بهای آن در اوایل قرن جاری است. اینکه آیا کشورهای صادرکننده در آینده تصمیم خواهند گرفت که قیمت عادلانه‌تری برای این کالای تمام شدنی درخواست کنند یا خیر، به عوامل چندی نظیر رشد اقتصاد جهانی، رشد جمعیت و سطح تولید نفت خارج از اوپک وابسته است. از نظر تقاضا، انتظار می‌رود که تا پایان دهه نخست قرن بیست و یکم، سالیانه ۱/۵ درصد افزایش وجود داشته باشد که نتیجه آن افزایش حدوداً ۴۰ درصد به سطح تقاضای جاری است. در همین دوره، تولید ناخالص داخلی جهان، ۶۰ درصد رشد خواهد کرد. این ارقام حاکی از آن است که طی این دوره، قیمت‌های نفت مرتباً افزایش خواهد یافت به ویژه هنگامی که متوجه شویم کشورهای پیشرفته برای ۵۸ درصد احتیاجات نفتی خود به اوپک وابسته‌اند و این وابستگی احتمالاً تداوم خواهد داشت، چون

برنامه‌ریزی تولیدکنندگان نفتی غیر اوپک برای تولید بیشتر، نمی‌تواند پاسخگوی افزایش تقاضای روزافزون نفت باشد. قیمت آینده نفت به نوعی نسبت به تنشهای سیاسی داخلی و نظامی در منطقه حساسیت نشان می‌دهد و خود قیمت‌ها نیز بر سطح بودجه‌های نظامی و امنیتی داخلی که از منابع درآمدهای نفتی تأمین می‌شود اثر خواهد گذاشت. افزون بر این، ظرفیت تولید نفت عراق که دیر یا زود به بازارهای نفت روانه خواهد شد و ظرفیت نوسان‌پذیر برخی از تولیدکنندگان عمده نفتی که ناخشنودی هم‌پیمانهای غربی خود را نمی‌خواهند، از جمله عواملی هستند که به طور بالقوه فشار معکوس بر قیمت‌های آینده نفت خواهند گذارد. تحلیلگران نفتی با موضعگیری‌های متفاوت، به نظر می‌رسد در این نکته هم‌آیند که در کوتاه مدت، قیمت‌های نفت مشوق تولید بیشتر نیست.

### عملکرد بیمه: نظریه کلی

همان طور که می‌دانیم، بیمه مکانیسم انتقال ریسک است که از طریق آن بار ریسک و زیان اقتصادی احتمالی ناشی از وقوع خسارت، از یک شخص یا یک بنگاه اقتصادی که در معرض چنین ریسکی قرار گرفته، به دیگری منتقل می‌شود که خواهان ریسک‌پذیری و زیان مالی احتمالی آن است. هزینه انتقال ریسک، حق بیمه‌ای است که انتقال دهنده به پذیرنده ریسک پرداخت می‌کند. بنابراین، بیمه به عنوان وسیله‌ای برای انتقال ریسک، بی‌هزینه نیست و ممکن است گاهی هزینه‌بر باشد. همان طور که می‌دانیم، هدف شرکت بیمه از پرداخت خسارت به شخص یا شرکت بیمه‌گذار، کاهش تأثیر منفی اقتصادی خسارت بر شخص یا شرکت بیمه شده است. در بهترین شرایط، پرداخت خسارت به بیمه‌گذار، وی را در همان شرایط اولیه اقتصادی قبل از وقوع خسارت قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، بیمه، اتلاف اقتصادی ناشی از خسارتهای بیمه شده را کاملاً از بین نمی‌برد. در اقتصادهای ملی ما، خسارت بیمه‌شده، زیان خالصی است که جبران نمی‌شود.

در شرایط بحران اقتصادی، هزینه یا بهتر بگوییم کاهش هزینه مقابله با ریسک اهمیت زیادی دارد. بنابراین نقش ما به عنوان بیمه‌گر و بیمه‌گر اتکایی در کشورهای در حال توسعه و به ویژه در کشورهایی با محدودیتهای بیمه‌ای، باید در چارچوب وسیعی از مدیریت ریسک مورد توجه قرار گیرد. محدودیت زمانی اجازه نمی‌دهد که در این مقاله به تکنیکهای مدیریت ریسک بپردازیم. کافی است گفته شود که بیمه‌گران، بیمه‌گران اتکایی و صنعت بیمه مجموعاً علایق مشترکی برای پیشرفت دانش در این شاخه نسبتاً جدید دارند. ولی تجربه شخصی در کشور من

نشان می‌دهد که مدیریت ریسک چنانکه باید مورد توجه قرار نگرفته و در واقع، تا جایی که مطلع هستیم، کتاب مرجعی در این زمینه به زبان عربی وجود ندارد.

اگر منابع کم ارزی قابل تبدیل و همچنین امکان کاهش تدریجی سالیانه آن را در نظر بگیریم که حدوداً تا ۵ میلیارد دلار در ازای هر دلار کاهش قیمت یک بشکه نفت می‌تواند باشد (ایران و کشورهای عرب تولید کننده نفت)، اهمیت کاهش هزینه اقتصادی ریسک روشن می‌شود. اگر تکنیکهای مدیریت ریسک به طور کامل اجرا شود، کاهش چشمگیری در هزینه‌های خسارت به وجود می‌آید. در این زمینه، پیشگیری از خسارت مثال روشنی است. سرمایه‌گذاری در پیشگیری از خسارت باعث می‌شود که بیمه‌گذار و به ویژه صنایع عمده، بتوانند تخفیفهای ویژه‌ای روی نرخهای حق بیمه به دست آورند. برخی ممکن است بگویند که پیشگیری از خسارت، به مفهوم نگهداری مناسب و در دسترس داشتن لوازم و قطعات یدکی است که در شرایط ارزی دشوار، نیاز به سرمایه‌گذاری دارد. در نتیجه، کاهش نرخ حق بیمه ممکن است در مقایسه ناکافی باشد و جذاب به نظر نرسد. پاسخ این است که گرچه کاهش نرخ حق بیمه انگیزه کافی ایجاد نمی‌کند ولی این نکته را به یاد داشته باشیم که بیمه، خسارتهای غیرمستقیم را به هیچ وجه جبران نمی‌کند. از بُعدی دیگر، پیشگیری از خسارت به معنای حذف عامل خطای انسانی و قصور اوست و با هزینه بسیار کم یا تقریباً هیچ امکان‌پذیر است. بیمه‌گذار مطمئن از امکانات پیشگیری خسارت خود، آماده است با پذیرفتن کسورات بالا، بیمه‌گر مشترک ریسک خویش باشد و هزینه حق بیمه را با نگر داشتن خسارتهای کوچک کاهش دهد. بیمه‌گذار حق بیمه کاسته شده را می‌تواند صرف خرید پوشش خطرهای فاجعه‌آمیز کند.

بحث در مورد پیشگیری از خسارت و منافع واقعی بخش بیمه در حمایت از ضرورت آن، در حوصله این مقال نمی‌گنجد. اما به من اجازه دهید اضافه کنم که پیشگیری از خسارت و تاکتیکهای مدیریت ریسک باید جدی گرفته شود و تداوم و اجرای آن با مدیریت بالا و درک آنکه این گونه امور نباید به افراد کم صلاحیت واگذار شود انجام گردد.

### بیمه‌نامه با سرمایه واقعی

تجربه فردی من به عنوان یک بیمه‌گر اتکایی از بازار بیمه لیبی و مشاهدات عینی بازار بیمه عرب، نشان می‌دهد که ریسکهای عمده صنعتی غالباً کم بیمه می‌شوند و سرمایه بیمه کمتر از ارزش واقعی ریسک است. این مورد در کشورهایی که نرخ تورم بالا دارند و کاهش ارزش پول دایمی است حتی در مورد ریسکهایی که به ارزش جدید جایگزینی بیمه می‌شوند، صدق می‌کند. به تجربه دیده‌ام که سرمایه بیمه‌نامه‌هایی که ریسکهای استراتژیک صنعتی را پوشش

می‌دهند، برابر با ارزش زمان تحویل طرح است، یعنی زمانی که طرح در ده سال قبل یا بیشتر از آن تکمیل شده و مطمئناً این سرمایه بیمه بسیار کمتر از ارزش واقعی ریسک بیمه شده در حال حاضر است. راه حل این است که بیمه‌گر اطمینان یابد که ارزیابی مجدد از چنین ریسکهایی در دوره‌های متوالی انجام می‌شود تا مشخص گردد که این ریسکها حتماً با ارزش کامل روز بیمه شده‌اند. ولی حذف این فراگرد ساده‌تر از انجام آن است چون ارزیابی مجدد، فراگرد پیچیده‌ای است که همکاری تنظیم شده واحدهای علمی مختلفی را می‌طلبد، مثل مهندسی و کارشناسی‌های مقداری، اقتصادی، مالی و جز آن. ضرورت دارد که صنعت بیمه و مشتریان عمده‌اش در این زمینه همکاری کنند تا حداقل ریسکهای استراتژیک مهم به طور کامل و با ارزش واقعی بیمه شوند.

### هزینه اتکایی

وقتی به هزینه بیمه می‌اندیشیم نباید هزینه اتکایی را فراموش کنیم. آنچه ما به هنگام اتکایی کردن ریسک نزد بیمه‌گر اتکایی خارجی انجام می‌دهیم، واردات بیمه است و هزینه آن حق بیمه اتکایی است که براساس قرارداد اتکایی فی‌مابین به بیمه‌گر اتکایی خارجی پرداخت می‌کنیم. این هزینه معمولاً با مشکلات ارزی زیادی پرداخت می‌شود. باید اشاره کنم که ما به بیمه‌گر اتکایی، مانده حساب را منتقل می‌کنیم. یعنی حق بیمه پس از کسر کارمزد و خسارت و کارمزد مشارکت در منافع را، در مواردی مثل یک حساب بیمه‌ای سودآور به عنوان مانده مثبت به بیمه‌گر اتکایی می‌پردازیم و بر ماست که سعی کنیم در شرایط دشوار فعلی پرداخت ارزی به بیمه‌گران اتکایی را کاهش دهیم.

آنچه در بازارهای بیمه در حال رشد، به ویژه آن دسته که ریسکهای پتروشیمی و نفتی با حق بیمه‌های بالا دارند معمول است زیاد بیمه شدگی اتکایی است. این امر به دلیل نامتوازن بودن مجموعه ریسکهای برخاسته از فقدان تعداد زیادی ریسکهای کوچک تا متوسط است. افزایش سهم نگهداری بازارهای بیمه در حال رشد یک هدف برحق و صحیح است چراکه آنچه ما به عنوان حق بیمه به بیمه‌گر اتکایی می‌پردازیم می‌تواند و باید در بازارهای داخلی ما سرمایه‌گذاری شود و سرمایه‌گذاری موتور محرکه توسعه است. اندازه و ظرفیت سهم نگهداری، نتیجه منطقی سرمایه و ذخایر فنی شرکت بیمه است و هنگامی که اتکایی مجدد را در نظر می‌گیریم، به سرمایه و ذخایر فنی شرکت بیمه اتکایی وابسته است. برای تحقق این هدف برحق، باید با حداکثر دوراندیشی و توجه عمل کرد. شخصاً معتقدم که مجموعه ریسکهای شرکت بیمه می‌تواند با تزریق هرچه بیشتر ریسکهای انفرادی متوازنتر شود.

منظور من از بیمه‌نامه‌های انفرادی، بیمه زنان و مردان عادی است. مثل بیمه‌های منازل سکونی، حوادث انفرادی و بیمه وسایل نقلیه موتوری و غیره. بهبود در این زمینه به شرکتهای بیمه کمک می‌کند تا سهم بیشتری برای خود نگه دارند و کمتر از بیمه اتکایی استفاده کنند. همکاری منطقه‌ای و تبادل بیمه براساس بیمه‌های جبرانی با سایر شرکتهای بیمه و اتکایی در کشورهای درحال توسعه، اهرم دیگری برای کاهش خروج ارز است و این هم مشروط به تحلیل دقیق و انتخاب معیارهای مناسب است.

به عنوان یک بیمه‌گر اتکایی باید بگویم که ما با بیمه‌گرانی که سهم نگهداری بیشتری دارند حساس آرامش و اطمینان می‌کنیم زیرا این شرکتهای واگذارنده در فعالیتهای بیمه‌ای که ما بیمه‌گران اتکایی تابع عملیاتشان هستیم، شریکان بهتری به نظر می‌رسند.

## پیمان‌گات

من فکر می‌کنم ارزش آن را دارد که به مضامین پیمان‌گات ۱۹۹۴ که به بحث ما هم مربوط می‌شود اشاره مختصری بکنم. ممکن است بدانید که در پایان اجلاس اروگوئه، نمایندگان ۱۱۸ کشور در مراکش ملاقات کردند (۱۵ آوریل ۱۹۹۴). موافقتنامه، یادداشت تفاهم و تصمیمات زارتی که پس از مذاکرات طولانی در چارچوب اجلاس اروگوئه موافقت شده بود به امضا رسید. روز ۲۷ جولای ۱۹۹۵، سازمان تجارت جهانی اعلام کرد که ایالات متحده و ۲۸ کشور صنعتی و درحال توسعه موافقتنامه‌ای مقدماتی در زمینه مبادله خدمات مالی امضا کرده‌اند. گات ۱۹۹۴ و موافقتنامه‌های همسان آن مثل موافقتنامه عمومی تجارت خدمات (GATS) را که به صنعت بیمه و بیمه اتکایی بیشتر مربوط است باید جزئی از واقعیت برشمرد.

بسیاری بر این باورند کشورهایی که به گات نپیوسته‌اند، همانند سازمان تجارت جهانی در رازمدت به گات ملحق خواهند شد. با حضور سازمان تجارت جهانی و تأکید بر ضرورت هماهنگی بین این سازمان جدید از یک سو و صندوق بین‌المللی پول و بانک بین‌المللی ازسازی و توسعه (بانک جهانی) از دیگر سو، به نظر می‌رسد نظم جدید اقتصادی کاملاً متحول شده است. چون بحث من در مورد توسعه است، معایب پیمان‌گات را به کنار می‌گذارم و به بررسی فرصتهایی می‌پردازم که پیمان‌گات ممکن است برای بیمه‌گران و بیمه‌گران اتکایی کشورهای درحال توسعه به ارمغان آورد.

## تجارت در بخش محصولات کشاورزی

از دیدگاه توسعه، پیمان بین‌المللی محصولات زراعی (از شاخه‌های پیمان‌گات ۱۹۹۴)،

مهمترین نتایج گفت‌وگوهای اجلاس اروگوئه است. توافقنامه با هدف آزادسازی بخش بی، رفع موانع تعرفه و سوبسید و سایر آشکال حمایت مالی محصولات کشاورزی به سیده است. این موافقتنامه مشروط به استثنائات پیچیده‌ای است و به کشورهای درحال و به ویژه کشورهای کم توسعه یافته، معافیت‌های درخور توجهی اعطا می‌کند. قویاً بر این ، موافقتنامه گات عمدتاً قیمت محصولات کشاورزی را افزایش خواهد داد و چون ای درحال توسعه واردکنندگان عمده محصولات غذایی هستند، این توافقنامه تأثیر منفی برداخته‌ایشان خواهد گذاشت؛ گرچه برای محدود محصولات کشاورزی صادراتی این ا، منافی به ارمغان می‌آورد.

سوی دیگر، قیمت‌های بالای محصولات کشاورزی می‌تواند برای افزایش سطح تولیدات بی انگیزه‌ای باشد و سرمایه‌های بیشتری جذب این بخش شود. گرچه در بیان نقش بیمه لات کشاورزی در بخش رو به رشد ملکی زراعی نمی‌توان اغراق کرد ولی آنچه در اینجا ی به آن اشاره می‌کنم این است که درحال حاضر نیاز به توسعه این نوع بیمه، بیشتر از احساس می‌شود زیرا درآمدهای مستقیم آن برای صنعت بیمه و اقتصاد به طور کل - ارزنده باشد.

### بید مجدد بر تعهدات کشورهای صنعتی

مت اعظم توافقنامه اجلاس اروگوئه و اظهارنامه مراکش، شامل اصولی برای اعطای ن به کشورهای درحال توسعه است و کشورهای صنعتی را مقید به این کمک‌های مالی و کشورهای درحال توسعه کرده است تا بتوانند سهمشان را در خدمات و تجارت بین‌الملل دهند.

جذب منافع تعهدات کشورهای صنعتی، آنچه اهمیت فوق‌العاده دارد همکاری و تلاش بیمه‌گران و بیمه‌گران اتکایی در کشورهای درحال توسعه است. باید توجه شود که گات (۱۹۴۷-۱۹۴۹) کاملاً پیچیده است و درک آنها گاهی مشکل می‌نماید. بنابراین ی و تبادل نظر بین بیمه‌گران و بیمه‌گران اتکایی کشورهای درحال توسعه ضروری است تا شوند که درک شفاف‌تری از این اصول و پیچیدگی‌های حاصل شده است.

سی عنوان «بیمه و توسعه» و اتمام آن، نیاز به زمان و فضای بیشتری از آنچه در مقاله یک می‌توان گنجاند، دارد. از این رو، پوزش مرا برای کاستیهای سخنانم بپذیرید. امیدوارم ای شما مرا یاری کند تا کاستیها را جبران کنم و به آگاهیهای خود بیفزایم.